

هماهنگ کننده ارشد وجود دارند که وارد مذاکرات می‌شوند اما کسی نمی‌پرسد از سوی نمایندگی ما را دارید و اعتراضی هم از سوی دولتهای دیگر شنیده نمی‌شود. تنها مورد، درخواست مشارکت از سوی ایتالیا بوده که آن هم درخواست عضویت در ۵+۱ نبود، بلکه می‌گوید می‌توانم کمک کنم اما ادعایی برای حضور در ۵+۱ نداشت.

بعد دیگر این مسئله این است که می‌گوییم ایران هم وزن خود را در مذاکرات ژنو بشناسد و ما از آنها بردیم به دلیل اینکه رسمیت برنامه غنی سازی در ایران از یک تا ۵ درصد را گرفتیم که خط قرمز ما و آنها بود و توانستیم برنامه غنی سازی خود را تثبیت کنیم. من این حرف دکتر روحانی را قبول دارم که ما از آنها بردیم. باید متوجه باشیم که جهان سیاست جهان واقعیت هاست و غرب هیچ گاه و برای هیچ کشوری حق غنی سازی را به رسمیت نشناخته و نخواهد شناخت. تنها یک استثنا وجود دارد و آن ایران است. گرفتن این جمله از ساختار نظام بین‌الملل یک برد دولت روحانی است که جای تبریک دارد. بعضی می‌گویند غرب می‌خواهد در آینده تاسیسات هسته‌ای ما را برچیند یا تحریم‌ها را در مقولات دیگری مثل حقوق بشر ادامه دهد که می‌گویم درست است اما این نافی عملکرد ما در پرونده هسته‌ای نیست و در واقع انسان از ترس مرگ خود کشی نمی‌کند. فعلا باید بازی عاقلانه خود را انجام دهیم و درست عمل کنیم. دنیای سیاست دنیای تکاپوی دائمی تولید و بازتولید سناریوهاست و دنیای رقابت دائمی است و اینکه توقع داشته باشیم ادبیات آمریکا پس از توافق ژنو درست شود صحیح نیست. ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران را یک مقوله استراتژیک و یک حفره امنیتی در شکل دادن به نظم جهان آینده می‌داند. بر این اساس هیچ گاه ایران را رها نمی‌کند. در مورد همین گزینه نظامی می‌گویم که تا ابد این گزینه روی میز آمریکا خواهد بود و هیچ گاه آن را بر نمی‌دارد. چون هیچ سیاستمدار عاقلی خود را خلع سلاح نمی‌کند. همان گونه که ما مقوله مبارزه با استکبار جهانی و

۳۱ کشور شامل ۲۸ کشور اروپایی به همراه روسیه، چین و آمریکا و اشتون از ناحیه این کشورها سخن می‌گوید. اتحادیه اروپا از کشورهای مختلف با میزان قدرت مختلف تشکیل شده است ضمن اینکه جهان بینی آنها نیز تفاوت دارد. غربی‌ها روی زمین زندگی می‌کنند و به آسمان نگاه دارند اما شرقی‌ها روی آسمان زندگی می‌کنند و برای زمین نسخه تجویز می‌کنند. غربی که در اسپانیا یا یونان و حتی ایتالیا زندگی می‌کند واقعیت را پذیرفته که در برابر آلمان، کل



اتحادیه اروپا از نظر اقتصادی حرفی برای گفت ندارد. غربی آموخته که جایی بنشیند که او را بلند نکنند و اندازه خود را می‌داند. لذا کشورهای اروپایی می‌دانند که اگر بخواهند به وحدت برسند باید در پیمانی نا نوشته نمایندگی اشتون و سه کشور برتر را برای حفظ منافع خود بپذیرند. برای همین است که در این ده سال یک بار هم زمره اعتراضی به این مسئله نشنیده‌اید. از این نظر امکان شکاف میان آنها نیست. البته رقابت بین آنها به صورت جدی وجود دارد اما قواعد بازی نیز در میان آنها کاملا مشخص است. اولین قاعده بازی این است که متناسب با وزن خود می‌توانی رقابت کنی و اگر غیر از آن وارد سیاست شوی و آرزوهایت را بر واقعیتها برتری دهی، هزینه‌های خود و ملت خود را افزایش داده‌ای. در اروپا سه کشور به همراه یک

سوریه یک آوردگاه کلان برای قطع نخاص مقاومت و تضعیف قدرت خاورمیانه در تقابل با غرب است لذا دوران بعد از بشار اسد از سال ۲۰۱۳ آغاز شده و بشار اسد تمام است. ادامه حضور او تنها به کشته شدن بیشتر دو طرف می‌انجامد و من معتقدم آمریکایی‌ها هیچ اصراری به برداشتن اسد ندارند چون تضمین پیروزی استراتژیک را گرفته و سلاح خطرناک سوریه را نیز خارج کرده‌اند. نگرانی از غشای امنیتی خود در منطقه و اسرائیل نیز رفع شده است. بنابراین اگر سرزمین سوخته‌ای از این کشور بماند با این همه جنایات و کشتار از هر دو طرف، ۵۰ سال نسل بیماری تولید می‌کند که خود می‌توانند تبدیل به یک گروه تکفیری کینه جوی ابزار غرب در آینده شوند. سوریه از این منظر برای غرب مهم است چون می‌خواهند در این زمانه گذار از بحرانها، از آن به نفع افزایش قدرت و جایگاه خود در نظام بین‌الملل استفاده کنند. وجود عناصر

تند رو و تندروی‌های موجود باعث شد تا سیاست چند فرهنگی دولتهای اروپایی و سیاستهای حمایتی آنها از مهاجرین کاهش پیدا کند و غشای امنیتی و نگرشهای امنیتی برای کنترل مسلمانها در کشورهايشان بیشتر شود و از هم اکنون آماده می‌شوند برای آینده و از همین الان بیشترین نظارت را بر حضور نیروهای اروپایی القاعده در سوریه برای شناسایی خطرهای حرکت دارند. در واقع می‌توان گفت که سوریه میدان هزینه ایدئولوژیک خاورمیانه برای رود رویی با غرب است.

**در تصمیم گیری‌های سیاسی و امنیتی اتحادیه اروپا همیشه شاهد نقش آفرینی ترونیکا هستیم. بر خلاف روح دموکراتیکی که اروپایی‌ها مدعی هستند. آیا در اتحادیه اروپا هم مانند آمریکا با یک دموکراسی سهمیه‌ای روبه‌رو هستیم؟**

امروز خاتم کاترین اشتون در واقع نماینده